

سیمای دوگانه خدای انکی (اآ) در اساطیر بین‌النهرین

سجاد دهقان‌زاده*

مهرنوش فکری**

چکیده

«انکی»، لفظی سومری و «اآ»، عنوانی آکدی - بابلی برای رب‌النوع آب‌های تازه در فرهنگ بین‌النهرین باستان است. با توجه به اثربخشی و کارکردهای آب در معیشت مردم باستان و نیز با اهتمام به نمادپردازی‌های آب در اساطیر، ایزد انکی (اآ) در اساطیر بین‌النهرین اهمیت ویژه و خویش‌کاری‌های متنوعی دارد که همه آنها با نظم کیهانی هم‌سویی دارند. ظاهراً غالب ایزدان بین‌النهرین باستان را می‌توان ایزدان نظم یا کارگزاران نظم طبیعی قلمداد کرد. در مقایسه با ایزدان دیگر، نقش انکی در استقرار و ابقای نظم طبیعی پررنگ‌تر است. انکی، به‌منظور برقراری یا صیانت از نظم طبیعی، تصویری دوگانه از خود نمایش می‌دهد و گاهی لَه و گاهی علیه انسان رفتار می‌کند. همچنین می‌توان حضور فراگیر انکی در اساطیر را با توجه به اهمیت آب در تمام شئون حیات انسان تبیین کرد. تک‌گویی‌های انکی و آشکارسازی احکام و رموز خدایان برای انسان را می‌توان از صور اولیه وحی تلقی کرد. مقاله می‌کوشد با روش توصیفی - تحلیلی، فلسفه تضاد رفتاری و سیمای دوگانه انکی را در اساطیر بین‌النهرین تبیین کند.

کلیدواژه‌ها: اسطوره‌های میان‌رودان، انکی (اآ)، دوگانگی رفتاری، نظم کیهانی.

* استادیار گروه ادیان و عرفان، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان (نویسنده مسئول) sajad_dehganzadeh@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد ادیان و عرفان، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان mehrnush.fekri@yahoo.com

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۴]

مقدمه

دین و تمدن باستانی میان‌رودان،^۱ یکی از غنی‌ترین و کهنه‌ترین تمدن‌های شناخته‌شده بشری است که به استناد آثار موجود درباره آن (نک.: رو، ۱۳۶۹: ۸۶)، مؤلفه‌های دینی فراوانی مانند اساطیر مدون و ایزدان متعدد دارد. دین بین‌النهرین باستان، از نظر تاریخی، دوران سومری (مقابل ۲۳۰۰ ق.م.)، آکدی (۲۳۰۰-۱۸۰۰ ق.م.)، بابلی (۱۸۰۰-۱۲۰۰ ق.م.) و آشوری (۱۲۰۰-۶۰۵ ق.م.) را پشت سر نهاده است (see: Delaporte, 1998)، هرچند امروزه بازشناسی کامل و روشن مؤلفه‌های فکری هر یک از این دوره‌ها، به‌ندرت امکان‌پذیر است (به‌جو و دیگران، ۱۳۷۲: ۲۲۰). در اساطیر مربوط به این دوره‌ها، برجسته‌ترین ایزد بین‌النهرینی، از نظر تناوب ظهور و کمال ایفای نقش، ایزد «انکی» با نام متأخر «آ» است.^۲

لفظ سومری «انکی» به معنای پروردگار مولد یا بارورکننده زمین (Jacobsen, 1987- 455: 1995) و لفظ «آکدی» (Akkadian) آا به معنای خانه آب است (رو، ۱۳۶۹: ۹۰)، که هر دو عنوان در اجتماعی که منبع اصلی معیشت مردم آن، کشاورزی است (نک.: مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۱۴)، عناوین بسیار مناسبی به نظر می‌رسند. ایزد انکی به عنوان رب‌النوع آب‌های تازه، در اساطیر بین‌النهرین چهره‌ای شامخ، خویش‌کاری‌های متنوع، حضوری فعال اثربخش و بسیار تعیین‌کننده دارد. از خویش‌کاری‌های او، که پژوهش حاضر عمدتاً متوجه آن بوده، هدایت‌گری و تدبیر او است. اعتقاد بر آن است که ایزد انکی، ایزدی کاملاً خیرخواه، دوراندیش و همه‌آگاه است و خدایان، دوشادوش انسان‌ها، در مواقع بحرانی برای رایزنی به او رجوع می‌کنند و راه برون‌رفت از مخمصه یا چپستی عملکرد صحیح را از او می‌خواهند (see: Marcus, 1987-1995: 106-107)؛ چنان‌که انتساب لقب نینیگیکو (Ninigiku)^۳ به ایزد انکی و نیز تصور او به عنوان خدای خرد و دارای گوش‌های بزرگی که با آنها همه نام‌ها را می‌داند (رو، ۱۳۶۹: ۹۰)، نمایانگر این باور است. ایزد انکی، که بهترین دوست و یاور انسان تصور می‌شود، پیشنهاد آفرینش انسان را به خدایان داده است و بر اعمال انسان نظارت دارد (ابراهیمی پورفرسنگی و نادعلیان، ۱۳۹۱: ۸۶) و او است که سرنوشت آدمی را تعیین می‌کند (بهار، ۱۳۸۰: ۲۸).

با وجود این، هدایت‌گری ایزد انکی همیشه مطلوب انسان‌ها یا خدایان نیست؛

ویرا، گاهی از طریق افشای اسرار یا تصمیم‌های ضدبشری خدایان دیگر، انسان

را هدایت می‌کند و این یقیناً مطلوب خدایان نیست. همچنین، گاهی به نام هدایت‌گری، انسان را فریب می‌دهد و گمراه می‌کند که این نیز مطلوب انسان نخواهد بود.

با توجه به مطالب پیش‌گفته، جای پرسش دارد که: حکمت دوگانگی شخصیت و تضاد رفتاری ایزد انکی در برابر خدایان و انسان‌ها چیست؟ چگونه می‌توان برجستگی و حضور دائمی ایزد انکی را در اساطیر بین‌النهرین توضیح داد؟ آیا تک‌گویی‌های (monologues) اساطیری انکی با انسان‌ها را می‌توان به مثابه شکل اولیه وحی قلمداد کرد؟ فرض نگارنده بر آن است که ایفای هم‌زمان دو نقش ظاهراً متضاد ایزد انکی، ناشی از منفعت‌طلبی فردی یا نمایشگر سلطه‌خواهی او نیست، بلکه احتمالاً حکمت‌ها و اهداف نامشخص متعال‌تری، مانند حفظ حدود عوالم انسانی و الهی، مد نظرش بوده است. همچنین، شاید بتوان گفت با توجه به اهمیت و نقش فراگیر آب در معیشت و تداوم حیات، انکی به عنوان ایزد آب، در اساطیر حضوری فراگیر دارد و رافع مشکلات و صاحب تدبیر فرض می‌شود. شاید بتوان الهام‌بخشی ایزد انکی به انسان را نیز از نخستین صور وحی (revelation) در معنای عام کلمه، یعنی آشکارسازی، دانست.

غایت پژوهش حاضر، رسیدن به شناختی جامع‌تر درباره شخصیت اسطوره‌ای ایزد انکی و تبیین چرایی انتساب دو رفتار متضاد هدایت‌گری و گمراه‌سازی به او است. آثار فارسی مدون درباره اساطیر میان‌رودان اندک است و آثار موجود (مانند: به‌جو و دیگران، ۱۳۷۲؛ رو، ۱۳۶۹؛ ساندرز، ۱۳۷۳؛ مجیدزاده، ۱۳۷۶؛ گری، ۱۳۷۸؛ مک‌کال، ۱۳۷۹؛ ناردو، ۱۳۸۷؛ رید، ۱۳۸۶) نیز به رغم آنکه بسیار سودمندند، اما به نظر می‌رسد هیچ‌یک، شخصیت دو گانه ایزد انکی و تضاد رفتاری او را به خوبی واکاوی نکرده‌اند. بنابراین، با توجه به اینکه آثار اندکی درباره اساطیر میان‌رودان وجود دارد و در آثار موجود فارسی اهتمام کمی به شخصیت خدای انکی شده است، چنین پژوهشی ضروری به نظر می‌رسد.

بررسی و تحلیل

۱. خویش‌کاری‌های انکی

ایزد انکی در اصل، خدای میاه و آب‌های شیرین سطح و زیر زمین در شهر اریدو (Euridu)^۴ است (مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۴۸). نماد اصلی انکی، که در تمثالش نمایان است، رشته‌های آب جاری از بازوان او است (ابراهیمی پورفرسنگی و نادعلیان، ۱۳۹۱: ۸۷).

با بررسی اسطوره آفرینش بابلی، یکی از شاهکارهای انکی آن است که پدر خدای آپسو

(Apzu)^۵ را که به دلیل ستیزه‌جویی‌ها و غوغای خدایان کهنتر، تصمیم بر نابودی آنها داشت، به بند کشید و هلاک کرد (ساندرز، ۱۳۷۳: ۱۲۰؛ بهار، ۱۳۸۰: ۳۱) و با بنای کوشک مقدسش بر فراز بدن کیهانی آپسو (مغاک) به قدرت برتر دست یافت و خود، خدای آب‌ها گردید. با وجود این، توانست مادرخدا تیامت (Tiamat)^۶ را نابود کند، هرچند بعدها مردوخ (Marduk)^۷، فرزند انکی، او را نابود کرد (مک‌کال، ۱۳۷۹: ۷۲؛ ساندرز، ۱۳۷۳: ۱۴۴).

خویش‌کاری‌های ایزد انکی در اساطیر، با رمزپردازی‌ها و کارکردهای آب (نک: الیاده، ۱۳۷۶: ۱۹۱-۲۰۲) کاملاً پیوند دارد؛ چنان‌که ایزد انکی، خدای حضور همه‌جایی (Immanence) است و خاصیت پاک‌کنندگی، حاصل‌خیزی و باروری، شفابخشی، حیات‌بخشی، هنر، صنعت و جادوگری نیز دارد (see: Marcus, 1987-1995: 106-107; نک: رو، ۱۳۶۹: ۹۰). بنا بر اساطیر متعدد بین‌النهرینی، کشاورزی و باروری زمین، خود ثمره نزدیکی انکی (خدای آب) با دخترش نین‌هورساگ (Ninhursaga)^۸ (خدای زنده زمین) یا یکی از صورت‌های او به نام نین‌تو (Nintu) است (کمبل، ۱۳۸۳: ۱۲۸؛ گری، ۱۳۷۸: ۲۰). به‌علاوه، ایزد انکی به عنوان نخستین معمار کیهان (Chase, 2001: 27)، خدای هنر، حامی هنرمندان، شکل‌دهنده به دست بشر و خالق فرهنگ تلقی می‌شود (به‌جو و دیگران، ۱۳۷۲: ۲۲۸) و در عرصه جادوگری نیز کاهنده نفرین و مبطل افسون قلمداد می‌گردد (ابراهیمی پورفرسنگی و نادعلیان، ۱۳۹۱: ۸۶؛ نک: گری، ۱۳۷۸: ۲۲). بنابراین، انکی با حفظ تعالی و الوهیت خود، گاه به مسائلی می‌پردازد که زندگی روزمره انسان را فرا می‌گیرد (به‌جو و دیگران، ۱۳۷۲: ۳۰۲) و درگیر کارهایی است که برای بنای تمدن ضروری است. در کنار همه این خویش‌کاری‌ها، انکی گاهی خدایی تلقی می‌شود که با قدرت تدبیر و خرد خویش، به نظم‌بخشی جهان همت می‌گمارد (بهار، ۱۳۸۰: ۲۸) و حتی انسان به پیشنهاد او خلق می‌شود. ویژگی خاص او این است که کارهای خود را نه با اجبار و تهدید، بلکه با حکمت و تدبیر انجام می‌دهد (Jacobsen, 1987-1995: 455-456).

نقش آفرینندگی ایزد انکی در اسطوره دیلمون (Dilmun)^۹ (نک: به‌جو و دیگران، ۱۳۷۲: ۲۹۲-۳۰۶) و اسطوره انومالیش (Enumaelish)^{۱۰} (نک: ساندرز، ۱۳۷۳: ۱۱۷-۱۷۹) بسیار برجسته است؛ در اسطوره دیلمون، انکی فقط هنگامی وارد عمل می‌شود که آسمان و زمین و به طور کلی، گیتی در هیئت اولیه و بی‌نامی موجودیت دارند. او در این موقعیت فقط در نقش سازمان‌دهنده (ناظم) و نام‌گذار است. اسطوره دیلمون، آفرینش تدریجی از

ماده ازلی^{۱۱} را نشان می‌دهد، به طوری که جهان در فرآیندی تدریجی، با هر کلام انکی بیدار می‌شود و نظم می‌یابد (به‌جو و دیگران، ۱۳۷۲: ۳۰۲)؛ به عقیده برخی از محققان، این اسطوره، بیان واقع‌گرایانه اوضاع و احوال فیزیکی زندگی در میان‌رودان است و تصویری پویا از ارتباط انسان با ضروریات زندگی را منعکس می‌کند (گری، ۱۳۷۸: ۲۲).

همچنین، بنا بر اسطوره آفرینش بابلی (انومالیش)، پس از انکی، فرزندش خدای مردوخ، به عنوان خالق و معمار جهان، همان فرآیند برقراری نظم کیهانی و صیانت از آن را به عهده می‌گیرد. مردوخ پس از پیروزی بر مادرخدا تیامت، با استفاده از کالبد او جهان را می‌آفریند و نظم مینوی و گیتیانه برقرار می‌سازد؛ بدین صورت که آسمان و زمین و انسان را به منظور تغذیه و عبادت خدایان خلق، و قلمرو خدایان سماوی و زمینی را تقسیم‌بندی می‌کند (رو، ۱۳۶۹: ۹۵).

۲. نظم طبیعی در بین‌النهرین باستان

در مجموع، تصورات مردم میان‌رودان باستان، از مفاهیم اساطیری تا پرورده‌های ذهن ابتدایی، معطوف به جهان طبیعت بوده (به‌جو و دیگران، ۱۳۷۲: ۲۰۳) و ایمان به نظم طبیعی و نظام‌مندی کیهان، شالوده تفکر دینی ابتدایی‌شان است. ایشان در کار جهان، نظم و اراده فعالی را تشخیص می‌دادند و برای تمام مظاهر طبیعی، قائل به روان (Anima) و اراده (Will) بودند. به نظر می‌رسد غالب ایزدان بین‌النهرین باستان را می‌توان با تسامح، ایزدان نظم یا دست‌کم کارگزاران نظم طبیعی تلقی کرد؛ مثلاً ایزد آسمان، آنو (Anu)، شهریار برتر و پروردگار قانون و نظم در نظر گرفته می‌شد (به‌جو و دیگران، ۱۳۷۲: ۲۱۰) که در اصل همچون دیگر خدایان سماوی، خدایی بی‌کاره بود (نک: ایاده، ۱۳۷۶، ۶۴) و به‌ندرت درگیر مسائل جهان مادی می‌شد. در نتیجه، خدای انلیل (Enlil)^{۱۲} که مُجری تمام احکام صادرشده از مجمع خدایان سومری بود (see: Jacobsen, 1987-1995: 454; and Marcus, 1987-1995: 114)، به عنوان خدایی کُنش‌مند، وظیفه اجرا و محقق کردن همان نظم کیهانی را دنبال می‌کرد. ایزد انکی نیز همانند آنو و انلیل، که با هم نخستین تثلیث بین‌النهرینی را تشکیل می‌دادند (رو، ۱۳۶۹: ۸۹)، واضع قانون و حافظ آن است (بهار، ۱۳۸۰: ۲۸)؛ او که به اعتقاد برخی (نک: همان: ۵۱ و ۶۸)، از نظر خویش‌کاری‌ها و ویژگی‌ها، پیش‌نمون یا مشابه اهورامزداي زردشتی^{۱۳} است، با خرد و تدبیر از کیان همان نظم کیهانی دفاع می‌کند.

از این رو، ظاهراً از مهم‌ترین موضوعات اساطیر بین‌النهرین، نظم طبیعی و انتظام کیهانی است. غالب خویش‌کاری‌های ایزدان اساطیر بین‌النهرینی، با این نظم، هم‌سویی و موافقت دارند. طبق این نظم، باید ساحت‌های وجودی موجودات، از جمله انسان و خدایان مشخص باشد و نباید از مرزهای مرتبه خود و ملزومات آن تخطی کنند. مثلاً حفظ جاودانگی خدایان و تخصیص فناپذیری به انسان، از مقتضیات همین انتظام کیهانی است که نباید در آن کمترین تخطی صورت گیرد. همچنین، بخشی از خویش‌کاری صیانت از نظم طبیعی و کیهانی، در سطح انسانی، به پادشاهان فناپذیر به عنوان نمایندگان خدایان (گری، ۱۳۷۸: ۹۶) در روی زمین سپرده شده است (ساندرز، ۱۳۷۳: ۵۵)؛ شاهان برای تحقق این امر وظایفی همچون دفاع از قلمرو حکومتی، تهیه مایحتاج مردم و ایزدان و قانون‌گذاری و اجرای آن را دارند و دیگر انسان‌ها نیز برای زنده ماندن باید خود را با این نظم طبیعی سازگار کنند (گری، ۱۳۷۸: ۲۲).

۳. حکمت احتمالی سیمای دوگانه انکی

وجه تمایز اصلی شخصیت انکی از سایر ایزدان بین‌النهرینی، خردورزی، دوراندیشی و تدبیر او است. او هوشمند نورانی و درآکی است که پیوسته طرحی نو می‌افکند و تدابیرش متوجه جامعه انسانی و محفل خدایان است. مهم‌تر آنکه، انکی در تحقق بخشی به اراده خود، نه از اجبار و تهدید، بلکه از حکمت و تدبیر بهره می‌گیرد (Jacobsen, 1987-1995: 455-456). به نظر می‌رسد، همین خردمندی و دوراندیشی به انضمام وجود نوعی ابهام در شخصیت ایزد انکی، او را مستعد گنش‌های متضاد در برابر سایر ایزدان و انسان‌ها کرده است. چنان‌که، از طرفی، انکی به‌رغم هدایت‌گری انسان و علاقه شدید به او، گاهی نیز، به نام هدایت، او را فریب می‌دهد و از طرف دیگر، او با وجود بیان راه‌حل و راهنمایی خدایان در مواقع بحرانی، اسرار پنهان خدایان را به نفع بشر برملا می‌کند. این ویژگی در اسطوره «نزول اینانا به جهان زیرین» مشهود است (نک: مک‌کال، ۱۳۷۹: ۹۷؛ گری، ۱۳۷۸: ۵۵). از این رو، عملکرد دوگانه ایزد انکی را می‌توان زیر عناوین هدایت‌گری و گمراه‌سازی بررسی و تحلیل کرد.

در اساطیر بین‌النهرین، انکی بیشتر خیرخواه بشر تصور می‌شود و این خیرخواهی او نمودهای گوناگونی در اساطیر دارد. مثلاً او به هنگام آفرینش، به عنوان تعلیم‌دهنده انسان ظاهر می‌شود و بخش فراوانی از دانش و حکمت خود را علاوه بر دو فرزندش،

مردوخ و نینگیشزیدا (Ningishzidda)، از طریق تعلیم آنوناکی‌ها (Anunnakies)^{۱۴} به انسان می‌آموزد (Sitchin, 2004: 5) و چنان‌که در منظومه انومالیش مذکور است (ساندرز، ۱۳۷۳: ۱۲۱)، به هنگام خشم خدای آپسو، حامی، هادی و منجی خدایان کهنتر می‌شود. نیز چنان‌که در روایات سومری، آگدی و بابلی داستان سیل و طوفان (The flood) مذکور است (Jacobsen, 1987-1995: 456؛ نک.: کمبل، ۱۳۸۳: ۱۲۸-۱۲۹)، سرّی از اسرار خدایان را برای انسان برملا می‌کند و با ناکام‌گذاشتن خدایان در اجرای تصمیم‌هایشان علیه انسان، از نابودی انسان جلوگیری می‌کند.

به‌علاوه، در اسطوره اترهسیس (Atrahasis)، ایزد انکی با هدف جلوگیری از نابودی انسان، به پادشاه سرزمین شوروپاک (Shurupak) به نام اترهسیس توصیه می‌کند، به همراه مردم قربانی کند (Penglase, 1997: 218) تا با تسکین خشم خدایان، بلاهای آسمانی کاهش یابد. دلیل تصمیم خدایان بر نابودی انسان آن است که ظاهراً در فرهنگ دینی بین‌النهرین باستان، انسان با پیشنهاد ایزد انکی و برای کمک به خدایان آفریده شده است، اما به دلیل برخورداری از حکمت و تدبیر، تهدیدی علیه نظم طبیعت و عالم خدایان به شمار می‌رود (Kensky, 1988: 63). از این‌رو است که بنا بر اسطوره اترهسیس، خدایان و در رأس آنها خدای انلیل، برای نابودی بشر همت می‌گمارند. در ادامه این اسطوره گفته می‌شود، در پی به انجام رساندن این قربانی همگانی، نسل انسان موقتاً به مدت شش سال در امان بود. با وجود این، به دلیل آنکه خشم خدایان کاملاً فروکش نکرده بود، پس از این دوره فترت، خدای انلیل به ادد (Adad)^{۱۵} دستور منع بارندگی داد و خشک‌سالی را بر مردم این سرزمین رقم زد. در این زمان، دوباره انکی به عنوان هدایت‌گر و خیرخواه انسان پا به عرصه می‌گذارد. وی مجدداً قربانی‌کردن به درگاه انلیل را به مردم توصیه می‌کند. اما سرانجام، ایزد انکی در مرتبه سوم، مستقیماً به عنوان منجی وارد عمل می‌شود و احتمالاً با ارسال سیلاب‌هایی انسان را نجات می‌دهد (McIntosh, 2005: 215).

افزون بر این، در اسطوره زئوسودرا (Ziusudra)، آنوناکی‌ها به عنوان مخالفان پادشاهی انسان ظاهر می‌شوند. زیرا انسان تهدیدی علیه آنوناکی‌ها به شمار می‌رود. از این‌رو، آنوناکی‌ها تصمیم گرفتند زئوسودرا، پادشاه انسانی، را به وسیله سیل خدای انلیل نابود کنند. در اینجا ایزد انکی دوباره از باب خیرخواهی، راز خدایان را نزد زئوسودرا فاش کرد و نه تنها هدایت‌گرانه، ساختن کشتی را پیشنهاد داد، بلکه خود در

ساختن کشتی به او کمک کرد. آنگاه زئوسودرا قبل از تحقق نقشه خدایان و خدای انلیل از دریاها عبور کرد و به سرزمین مقدس رسید و به واسطه انکی جاودانه شد (Doniger, 1999: 333).

انکی علاوه بر انسان‌ها برای خدایان نیز سودمند بوده است و گاه به عنوان هدایت‌گر آنها ظاهر می‌شود. در اسطوره انکی و نینما (Ninmah)،^{۱۶} که مشتمل بر روایت روایت آفرینش انسان است، قبل از آفرینش انسان، آنوناکی‌ها از کارکردن و حفر رودها رنج می‌کشیدند؛ لذا از نینما خواستند از انکی تدبیری برای این رنج و مصیبت بخواهد. انکی پیشنهاد خلقت انسان را به عنوان خدمت‌گزار و کارگر خدایان داد (Maier, 1997: 98). سرانجام انسان به واسطه انکی و نینما از خاک رُس و خون کینگو (Kingu)^{۱۷} خلق شد (Kensky, 1988: 63).

در مقابل، به رغم آنکه گاه انکی اسرار خدایان را برای حمایت از بشر افشا می‌کرد، اما در مواقعی نیز با راهنمایی‌های اشتباه و فریب‌کاری، انسان را از مواهب الهی، نظیر رسیدن به حیات جاودانه، باز می‌داشت (مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۷۲)؛ نمونه این نوع عملکرد ظاهراً خصمانه با انسان، در اسطوره آدابه (Adapa) مشهود است. در واقع، می‌توان ادعا کرد با اسطوره آدابه است که مسئله دوگانگی رفتاری ایزد انکی بیشتر جلوه می‌کند، زیرا انکی در سایر اساطیر، معمولاً چهره خیرخواهانه و سودمندانه‌ای دارد. چنان‌که گفته شد، وی پیشنهاددهنده آفرینش بشر و در اثر یگانگی‌اش با مردوخ (ساندرز، ۱۳۷۳: ۵۵)، خالق بشر^{۱۸} از خون کینگو (رو، ۱۳۶۹: ۹۵؛ و مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۷۱) و نیز حامی انسان‌ها در مقابل خشم خدایان (آنوناکی‌ها) تصور شده است.

مهم‌ترین پیام اسطوره آدابه، مقدر نبودن جاودانگی نفس انسان است که خدایان به عنوان قاعده و قانون کیهانی وضع کرده‌اند. خدایان به هنگام خلق انسان، مرگ را بر او مقرر کردند و زندگی جاوید را به خود اختصاص دادند؛ هرچند استثناهایی نیز مانند اوت‌نایپیشتم (Untnapishtim)^{۱۹} وجود دارند (به‌جو و دیگران، ۱۳۷۲: ۲۲۵) که به رغم انتسابشان به تبار انسانی، با اطلاع‌رسانی و کمک ایزد انکی به عطیه جاودانگی و در نتیجه خداگونه‌شدن دست یافته‌اند (مک‌کال، ۱۳۷۹: ۶۷؛ مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۷۴). بنا بر این اسطوره، آدابه الگوی انسان مطلقاً عابد و کاهن معبد آ یا انکی در شهر اریدو است (رو، ۱۳۶۹: ۱۰۲). آدابه به سبب اینکه باد جنوب، قایقش را در هنگام ماهی‌گیری واژگون کرده بود، بال‌باد جنوب (شرقی) را با نفرین شکست (مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۷۱) و به دلیل

مختل کردن نظم طبیعی، مقرر شد آدابه برای بازخواست، در محضر خدای آنو حاضر شود. در این زمان انکی بر او ظاهر شد و با راهنمایی ناصواب، او را از خوردن خوراک جاودانگی، که خدایان برای او آورده بودند، بازداشت (نک: مک‌کال، ۱۳۷۹: ۹۰). دشوار است که تعیین کنیم در اینجا بخشی از پیش‌بینی‌های حکیمانه انکی در محضر آنو تحقق نیافته و همین موجب شده است آدابه هدایای آنو، یعنی خوراک جاودانگی را رد کند، یا آنکه انکی آدابه را عامدانه به‌خطا راهنمایی کرده بود (McIntosh, 2005: 224). با وجود این، در هر دو صورت نتیجه راهنمایی ناصواب انکی و اطاعت کورکورانه آدابه، این شد که آدابه به نمایندگی از انسان‌ها زندگی جاودان را از دست داد (رو، ۱۳۶۹: ۱۰۳). به نظر می‌رسد دلیل اینکه انکی، آدابه را از تناول خوراک و نوشیدنی جاودانگی منصرف کرد این باشد که آدابه با خوردن آن و تحصیل جاودانگی شبیه خدایان می‌شد و این به معنای اختلال در نظام کیهانی و برخلاف نظم طبیعی امور بود (Maier, 1997: 252). از این‌رو، انکی برای حفظ نظم امور مانع جاودانه‌شدن آدابه (انسان) شد (1). (Anonymous, 2012: tablet no. 1).

موضوع مقدر نبودن جاودانگی برای انسان به دلیل حفظ نظم کیهانی، در اسطوره گیلگمش نیز در هیئت ظاهراً متفاوتی تکرار می‌شود. در این اسطوره، گیلگمش، با اینکه تلاش و جهد فراوانی برای به دست آوردن جاودانگی کرد، اما در پایان، در اثر غفلت و سهل‌انگاری، گیاه جاودانگی از آن ماری شد و قهرمان این اسطوره فناپذیری را به‌راحتی از دست داد. عملکرد فریبکارانه انکی و مار در دو اسطوره آدابه و گیلگمش، قابل مقایسه است. در هر دو داستان، جاودانگی مخصوص خدایان است و برای انسان فانی مقدر نیست. از این‌رو، اقتضای نظم کیهانی آن است که انسان حتی اگر در شرف نیل به جاودانگی باشد (مثل آدابه و گیلگمش)، آن را از دست بدهد (Maier, 1997: 252). حاصل آنکه، وقتی ما مجموعه عملکردهای انکی را در اساطیر در نظر می‌گیریم، متوجه می‌شویم که حفظ نظم کیهانی دغدغه اصلی او است. تصور اینکه گمراه کردن عامدانه انسان به دست انکی با هدف نرسیدن به موهبتی مختص خدایان (فناپذیری)، برای حفظ نظم کیهانی بوده، صحیح‌تر و منطقی‌تر به نظر می‌رسد. انکی از این مکر و فریب انسان یا فاش‌سازی اسرار خدایان، هدف نفسانی و منفعت‌طلبانه ندارد، بلکه فقط می‌خواهد ساختار نظام هستی، آن‌گونه که هست و از ازل پایه‌ریزی شده، محفوظ و

از این‌رو، حکمت تضاد رفتاری و سیمای دوگانه ایزد انکی، ابعاد مختلفی در فرهنگ بین‌النهرین باستان دارد، از جمله صیانت از نظم کیهانی، اراده خدایان بر حفظ جاودانگی برای خود و مقدر نداشتن نامیرایی برای انسان‌ها، خلق انسان صرفاً برای عبادت و خدمت‌گزاری و امکان‌ناپذیری خداگونه‌شدن انسان. همچنین، تصور مردم ابتدایی از نمودهای دوگانه و متعارض آب، از قبیل آنکه در آن واحد هم سودمند است (مایه حیات) و هم ضرررسان (ویرانگری سیل) و اینکه آب اساساً محل تضاد است و هر چیز خوب و بد را در آن واحد در خود دارد (نک: الیاده، ۱۳۸۰، ۱۲۴)، نیز در این زمینه بی‌تأثیر نبوده است.

۴. حضور فراگیر و تک‌گویی‌های انکی

حضور مطلق خدا در عالم هستی یا همان حضور همه‌جایی و تعالی خدا از هستی (Transcendence) دو تصور کلی از نسبت خدا با گیتی است (see: Hartshorne, 1987-1995: 16). از پذیرش انحصارگرایانه حضور مطلق خدا، اعتقاد به خدای انسان‌گونه (anthropomorphic) و از حقیقت‌پنداری جزم‌گرایانه غیریت خدا از گیتی، قول به خدای تنزیهی^{۲۰} (Transcendental) لازم خواهد آمد (دهقان‌زاده، ۱۳۹۰: ۵۳). حضور مطلق در واقع به معنای حضور ذاتی و بالقوه نامتناهی در متناهی است، چنان‌که بالقوگی همه متناهی‌ها را نامتناهی شکل می‌دهد.

ایزد انکی به عنوان ایزد آب حضوری فراگیر در اساطیر بین‌النهرینی دارد. انسان ابتدایی برای عوامل مؤثر بر زندگی‌اش ایزدانی را در نظر می‌گرفت و به میزان تأثیراتشان آنها را طبقه‌بندی می‌کرد. ایزد آب به مثابه تضمینی برای تداوم حیات (ابراهیمی پورفرسنگی و نادعلیان، ۱۳۹۱: ۸۵)، در میان انسان ابتدایی، از جمله مردم بین‌النهرین باستان جایگاه ویژه‌ای دارد (نک: همان: ۸۶). بنا به تعبیر میرچا الیاده، در اساطیر نیز اصولاً آب‌ها نماد مجموعه کلی امور بالقوه و منشأ تمام امکانات هستی و مقدم بر هر صورت و هر نوع آفرینشی هستند (الیاده، ۱۳۸۰: ۱۲۴). انتساب تمام خویش‌کاری‌های متنوع به ایزد انکی، ناشی از تجربه جریان آب‌ها بر سطح زمین و نقش آن در پیدایی زندگی، کشاورزی و گسترش ارتباطات انسان است (گری، ۱۳۷۸: ۲۲). از این‌رو است که در قریب به اتفاق اساطیر بین‌النهرینی می‌توان رد پای ایزد انکی یافت که در اغلب آنها نیز به عنوان خدای وحی‌کننده ظاهر می‌شود؛ مثلاً انکی در

اسطوره‌های اتره‌سیس، اینانا، اوتنایشیتیم، اسطوره آفرینش، آدابه، انزوا، نرگل و ارشکیگل و دیگر اساطیر بین‌النهرینی اغلب آشکارکننده اسرار، مدبر و طراح است. یکی از نمونه‌های وحی یا تک‌گویی انکی خطاب به انسان، در الواح انکی مکتوب است. مخاطب وحی در اینجا اندوبسار (Endubsar) است که کاتب اعظم انکی به شمار می‌رود. بنا به گزارش زکریا سیچین درباره این الواح، انکی به صورت نور قرمز و همراه با دو فرشته، که صورتی انسانی داشتند، بر اندوبسار ظاهر شده و با وی سخن گفته است. اندوبسار سخنان انکی را بر الواحی نوشته و این کتابت چهل روز ادامه داشته است. پس از چهل روز انکی لوح‌ها را از اندوبسار گرفته و آنها را در صندوقچه‌ای از چوب ااقیا، با روکشی از طلا^{۲۱} گذاشته است. آنگاه انکی به اندوبسار گفته است اینها سخنانی درباره گذشته و پیش‌بینی‌هایی درباره آینده است. اندوبسار، همچنین، خاطرنشان می‌کند که وی فقط قادر به شنیدن صدای انکی بوده و نتوانسته است او را ببیند. انکی همچنین، به اندوبسار این نوید را می‌دهد که او رسول انکی نزد مردم خواهد بود و شکل صحیح داشتن زندگی طولانی را به مردم گوشزد می‌کند. پس از پایان یافتن سخن انکی، اندوبسار بیهوش شده و انکی و فرشتگان همراه او ناپدید می‌شوند (Sitchin, 2004: 11-14).

انکی در تمام اساطیر حضور فعال دارد و به مثابه هادی اصلی روند طبیعی وقایع ظاهر می‌شود، اما حضور او مطلقاً معنای فلسفی ندارد. انکی خدایی برجسته است، اما نه نامتناهی است و نه مفهومی انتزاعی؛ بلکه او بیشتر خدایی درگیر در جهان مادی تصور می‌شود. فراگیری بهره‌مندی از آب در تمام سطوح معیشت ابتدایی از قبیل حیات متعارف، جادوگری، شفابخشی و این تصور که تماس با آب همواره موجب نوعی حیات تازه است (الیاده، ۱۳۸۰: ۱۲۴)، سبب اهمیت آب و موجب حضور فراگیر و اهمیت ایزد آن در اساطیر بوده است.

همچنین، به نظر می‌رسد تک‌گویی ایزد انکی به عنوان خدای شخصی صاحب اراده و مخاطب‌پذیر، به مثابه هیئتی اولیه از وحی است (نک: کمبل، ۱۳۸۳: ۱۳۰). یکی از ویژگی‌های ایزدان سومری، شخصی‌بودن آنها است. اگر اراده و مخاطب‌پذیری را دو ویژگی شخص بدانیم، درباره تمام این خدایان عنصر شخصی‌بودن محرز است. این خدایان شخصی، که حامی اشخاص خاص تصور می‌شدند و از آنها با عنوان «خدای من» یاد می‌شد، تجسمی از بخت آدمی بود و در مواقع بحرانی انتظار می‌رفت به سود

بندگان تحت حمایت خود نزد خدایان بزرگ‌تر شفاعت کنند (به‌جو و دیگران، ۱۳۷۲: ۲۱۹). خدایان بین‌النهرینی در دوران آکدی نیز خدایانی انسان‌گونه‌اند و به رغم آنکه در هیئت آدمی‌اند، به مراتب کامل‌ترند و از نظر قدرت، کمال بصیرت و دانش در مرتبه‌ای بالاتر قرار دارند و از ویژگی‌های روشنایی، شفافیت و هیبتناکی برخوردارند (همان: ۲۲۵).

نتیجه

با بررسی اساطیر بین‌النهرین باستان روشن می‌شود، با اینکه ایزد انکی یا آا به عنوان الاهی آب‌های شیرین، مقام رب‌الارباب ایزدان بین‌النهرینی را ندارد، اما به لحاظ تنوع خویش‌کاری‌ها و تناوب حضور، از برجسته‌ترین ایزدان است. از مهم‌ترین شاخصه‌های ایزد انکی، دوراندیشی و تدبیر او بوده است. او در تحقق اراده خود نه از طریق اجبار و تهدید بلکه از راه تدبیر وارد عمل می‌شود. برخورداری هم‌زمان از دو وجه هدایت‌گری و گمراه‌سازی انسان، ویژگی دیگر ایزد انکی است، اما فریب‌دادن‌های او نه تنها از باب سلطه‌خواهی و منفعت‌طلبی نبوده، بلکه حکمت احتمالی آن، صیانت از نظم کیهانی و حفظ مرز انسان و خدایان بوده است. ظاهراً یکی از دلایل حضور مکرر ایزد انکی در اساطیر، تأثیر آب و ایزد مربوط به آن در معیشت مردم ابتدایی بین‌النهرینی بوده است. حضور ایزد انکی در اساطیر همیشه همراه با تک‌گویی‌هایی خطاب به انسان یا خدایان بوده است که شاید بتوان خطابات مربوط به انسان را صورت نخستین وحی در بین‌النهرین در نظر گرفت، هرچند در اینجا معنای عام وحی، یعنی آشکارسازی، مراد است. زیرا انکی پیوسته سرّی از اسرار خدایان را برای انسان برملا می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. معادلی فارسی برای بین‌النهرین.
۲. «انکی»، لفظی سومری است که با حفظ ویژگی‌ها و خویش‌کارهای خود در دوران آکدی و بابلی («آا») نامیده شد.
۳. لفظاً به معنای «پروردگار خرد و چشم‌پُرسو» است.
۴. تل‌ابوشهرین امروزی واقع در حدود ۱۵ کیلومتری غرب شهر اور (نک: مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۴۸).
۵. ایزد آب‌های شیرین و ژرف، و معادل بابلی برای خدای «آنو»ی سومری است.

۶. ایزدبانوی آب‌های شور بابلی که معادل بابلی «نیتو»ی سومری است.
۷. فرزند انکی و دامکینا، خردمندترین و کامل‌ترین ایزد بابلی که با شکست ایزدبانوی «تیامت» به آفرینش کیهان از بدن مگاک‌گونه او همت می‌گمارد.
۸. نماد لای و لجن سطح مرداب‌ها و خدای زنده زمین.
۹. بهشت سومری‌ها که جنت خدایان است و از انسان‌ها فقط زئوسودرا (نوح سومری) توانسته است به آن راه یابد. نام دیلمون با اینکه در متون تاریخی معمولاً همان جزیره بحر بندر خلیج فارس پنداشته می‌شود (گری، ۱۳۷۸: ۸)، اما احتمالاً نام مکانی دور و فرضی است و با جزیره بحرین صرفاً تشابه اسمی دارد (مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۷۱).
۱۰. متن بابلی آفرینش که چگونگی پیدایش کیهان و شهر بابل به دست مردوخ (فرزند آ و همسرش دامکینا) را توضیح می‌دهد.
۱۱. در اینجا آب و اقیانوس اولیه.
۱۲. خدای هوای میان زمین و آسمان که فرزند آنو و نیتو است.
۱۳. هر دو ایزد، ایزدان خرد، آفریننده هستی، مظهر داوری و دادگری و یاری‌رساننده به تولید، و فرمانروا هستند. با وجود این، اهورامزدا برخلاف انکی، که خدایی عوامانه و بسیار ابتدایی است، ایزدی ذهنی‌تر، والاتر و دوردست‌تر است (نک: بهار، ۱۳۸۰: ۷۱).
۱۴. هفت خدای ساکن آسمان (Dundes, 1988: 63).
۱۵. خدای سیلاب و طوفان (Melntosh, 2005: 215).
۱۶. الاهی زمین و نام دیگر نینهورساگ (Scott and Cavendish, 2005: 4/476).
۱۷. سرکرده نظامی سپاه شریر ایزدبانوی تیامت در نبرد با مردوخ؛ او پس از هزیمت با سفارش مؤکد آا به قتل رسید و مردوخ از خون او نخستین انسان را خلق کرد.
۱۸. اعتقاد بر آن است که آدابه به دست ایزد انکی آفریده شده است (رو، ۱۳۶۹: ۱۰۲).
۱۹. معادل بابلی برای اترهسیس آکدی، زئوسودرای سومری و نوح اقوام سامی.
۲۰. تنزیه، در اصطلاح به معنای دوربودن و پاک‌دانستن خدای تعالی از اوصاف بشر است. تعبیر «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ» و «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ» در قرآن کریم بر وجه تنزیهی خدای متعال دلالت دارند.
۲۱. مانند صندوقچه عهد موسی (ع) برای نگه‌داشتن الواح بهوه.

منابع

قرآن کریم.

- ابراهیمی پورفرسنگی، مریم؛ نادعلیان، احمد (۱۳۹۱). «بازتاب باورهای مرتبط با آب در آثار هنری ایلامیان»، در: *فصل‌نامه علمی پژوهشی نگره*، ش ۲۱، ص ۸۵-۹۴.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۶). *رساله در تاریخ ادیان*، ترجمه: جلال ستاری، تهران: سروش.
- الیاده، میرچا (۱۳۸۰). *مقدس و نامقدس*، ترجمه: بهزاد سالکی، تهران: خرد ناب.
- بهار، مهرزاد (۱۳۸۰). *ادیان آسیایی*، تهران: چشمه.

- به‌جو، زهره؛ و دیگران (۱۳۷۲). *ادیان جهان باستان؛ مصر و بین‌النهرین*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ج ۲.
- دهقان‌زاده، سجاد (۱۳۹۰). *بن‌مایه‌های خدانشناسی، انسان‌شناسی و جهان‌شناسی به‌گودگیتا در هندوئیسم ودایی و علل و چگونگی تحولات بعدی آنها در هندوئیسم حماسی*، رساله دکتری رشته ادیان و عرفان، دانشگاه تهران، دانشکده الهیات، استاد راهنما: مجتبی زروانی.
- رو، ژورژ (۱۳۶۹). *بین‌النهرین باستان*، ترجمه: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر آبی.
- رید، جولین (۱۳۸۶). *بین‌النهرین*، ترجمه: آذر بصیر، تهران: امیرکبیر.
- ساندرز، ن. ک. (۱۳۷۳). *بهشت و دوزخ در اساطیر بین‌النهرین*، ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: فکر روز.
- کمبل، جوزف (۱۳۸۳). *اساطیر مشرق‌زمین*، ترجمه: علی‌اصغر بهرامی، تهران: جوانه رشد.
- گری، جان (۱۳۷۸). *اساطیر خاور نزدیک (بین‌النهرین)*، ترجمه: باجلان فرّخی، تهران: اساطیر.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۶). *تاریخ و تمدن بین‌النهرین*، تهران: علمی و فرهنگی.
- مک‌کال، هنریتا (۱۳۷۹). *اسطوره‌های بین‌النهرینی*، ترجمه: عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- ناردو، دان (۱۳۸۷). *بین‌النهرین باستان*، ترجمه: سهیل سَمی، تهران: ققنوس.
- Anonymous (2012). *Adapa and the Food of Life*, Egypt: Library of Alexandria.
- Chase, K. M. (2001). *The Enki Clan*, USA: Writers Club Press.
- Delaporte, L. (1998). *Mesopotamia*, trans. V. Gordon Childe, London and New York: Routledge
- Doniger, W. (1999). *Merriam-Webster's Encyclopedia of World Religions*, USA: Merriam-Webster.
- Hartshorne, Ch. (1987-1995). "Transcendence and Immanence", *Encyclopedia of Religion*, ed. Mircea Eliade, vol. 15, Macmillan Publishing Company, pp. 16-21.
- Jacobsen, Th. (1987-1995). "Mesopotamian Religion", *Encyclopedia of Religion*, ed. Mircea Eliade, vol. 9, Macmillan Publishing Company, pp. 447-466.
- Kensky, Tikva Frymer (1988). "The Atrahasis Epic and its significance for our understanding of Genesis 1-9", *The Flood Myth*, ed. Alan Dundes, USA: University of California Press, pp. 61-74
- Maier, J. R. (1997). *Gilgamesh: A Reader*, USA: Bolchazy-Carducci Publishers.
- Marcus, D. (1987-1995). "Enki", *Encyclopedia of Religion*, ed. Mircea Eliade, vol. 5, Macmillan Publishing Company, pp. 106-107.
- Marcus, D. (1987-1995). "Enlil", *Encyclopedia of Religion*, ed. Mircea Eliade, vol. 5, Macmillan Publishing Company, p. 114.
- McIntosh, J. (2005). *Ancient Mesopotamia: New Perspectives*, Santa Barbara: ABC-CLIO.
- Penglas, Ch. (1997). *Greek Myths and Mesopotamia: Parallels and Influence in the Homeric Hymns and Hesiod*, New York: Psychology Press.
- Sitchin, Z. (2004). *The Lost Book of Enki: Memoirs and Prophecies of an Extraterrestrial god*, Canada: Inner Traditions.